

## عنوان مقاله:

سوگند استظهاری در فقه امامیه و حقوق ایران

## محل انتشار:

همایش ملی علوم انسانی (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

## نویسنده:

ساعت تیموری بیله ده - کارشناس ارشد، رشته حقوق گرایش جزا و جرم شناسی، مدرس دانشگاه پیام نور

## خلاصه مقاله:

یکی از سوگندهایی که در محاکم از آن استفاده می شود سوگند استظهاری است. در قانون مدنی ایران به پیروی از فتوای مورد اتفاق شیعه فقط نسبت به ادعای طلب علیه متوفی در ماده 1333 به این شرح آمده است در دعوی برمتوفی در صورتی که اصل حق ثابت شده و بقاء آن در نظر حاکم ثابت نباشد حاکم میتواند از مدعی بخواهد که ببقاء حق خود قسم یاد کند. در این مورد کسی که از او مطالبه قسم شده است نمیتواند قسم را به مدعی علیه رد کند. همان طور که ملاحظه می شود، قانون گذاران مدنی، لزوم ادای سوگند توسط مدعی را مقید به موردی نموده اند که اصل حق برای دادگاه ثابت و بقای آن ثابت نباشد. مفهوم مخالف آن چنین است که هرگاه بقای حق به وسیله ادله برای دادگاه ثابت باشد دیگر نیازی به ادای سوگند نیست. به دیگر سخن لزوم ادای سوگند استظهاری توسط مدعی در موردی که دعوی، بر بقای حق دینی علیه متوفی است، امری عقلایی و مطابق با موازین منطقی است. چراکه در حقیقت دعوای مزبور قابل تحلیل به دو امر است. یکی اصل حق و دیگری بقای آن حق. آنچه ادله اثبات، میتواند به اثبات رساند، اصل دین است. ولی به هیچ وجه امر دوم یعنی عدم ابراء و اسقاط آن که مورد ادعا استقابل اثبات نیست. چنانچه طرف دعوی حاضر بود، پس از اثبات حق این امکان وجود داشت که ادعای اداء و یا ابراء و اسقاط کند که البته ملزم به اثبات بود و در فرض عدم ارایه دلیل و انکار طرف مقابل، مدعی می توانست از وی که در این بخش دعوی، نقش منکر دارد، درخواست سوگند نماید و با سوگند وی بقای حق او ثابت می شد. حال که مدیون، فوت کرده است در حقیقت حاکم برای اثبات امر دوم، مدعی را سوگند می دهد. اختصاص سوگند استظهاری به متوفی و عدم سرپان آن به غایب و صغیر و مجنون در قانون مدنی به خاطر تبعیت از فتوای اتفاقی فقها است.

## کلمات کلیدی:

قسم، ادله اثبات، استظهاری، متوفی، اثبات حق

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/653453>

